

بازپژوهی در حکم فقهی پیاده‌روی برای زیارت ائمه علیهم‌السلام اولیای الهی و اماکن مقدس

مهدی ساجدی*

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی ادله‌ای می‌پردازد که از آنها به گونه‌ای حکم استحباب پیاده‌روی برای زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام، اولیای الهی و اماکن مقدس استنباط شده است. نتایج به دست آمده از تحقیق، که به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته، حاکی از این است که در برخی روایات مبین فضیلت زیارت امیر مؤمنان و اباعبدالله علیه‌السلام؛ تعابیری مانند اعطای ثواب بر هر گام وارد شده که برخی درصدد برآمده‌اند استحباب پیاده‌روی برای زیارت این دو امام همام را از این تعابیر استفاده کنند و با کمک دیگر ادله، آن را به زیارت سایر معصومین علیهم‌السلام، امامزادگان، اولیای الهی، مؤمنین و حتی قبور آنان تسری دهند. اما چنین به نظر می‌رسد این روایات و سایر روایات مبین فضل زیارت معصومین علیهم‌السلام درصدد ترغیب دوستان اهل بیت علیهم‌السلام به اصل زیارت‌اند و کیفیت زیارت، در آنها مورد نظر نیست و از اطلاق و عموم آنها نمی‌توان چنین استحبابی را نتیجه‌گیری کرد. البته از برخی نصوص عام، مانند آیات دال بر لزوم تعظیم شعائر الهی و لزوم ابراز محبت به اهل بیت علیهم‌السلام، می‌توان در اثبات افضلیت پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم‌السلام بهره برد. اما توجه به این نکته ضروری است که ویژگی خاص این دو امام بزرگوار (امیر مؤمنان و اباعبدالله علیه‌السلام)، پیاده‌روی به قصد زیارت ایشان را از پیاده‌روی برای زیارت سایر امامان معصوم علیهم‌السلام ممتاز کرده است.

واژگان کلیدی: زیارت، پیاده‌روی، اماکن مقدس، مساجد، اولیای الهی.

*. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه و عضو گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

زیارت در لغت به معنای قصد دیدار کسی یا چیزی آمده و گفته شده در عرف، به این دیدار که به منظور احترام و بزرگداشت و انس گرفتن انجام می‌پذیرد، زیارت اطلاق می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۲۰). بنابراین مطابق با تصریح اهل لغت، در عرف به هر دیداری زیارت اطلاق نمی‌شود؛ بلکه «زائر» بر کسی صادق است که علاوه بر تصمیم به دیدار و اقدام به رفتن، انگیزه احترام و بزرگداشت مزور را نیز داشته باشد؛ و گرنه تنها از نظر لغوی زائر است.

اما در شریعت اسلامی، واژه «زیارت» در مواردی به کار رفته است که دیدار فرد (خواه در زمان حیات و خواه بعد از وفات) با انگیزه الهی صورت پذیرفته باشد و هدف از دیدار، احترام و بزرگداشت باشد؛^۱ به عبارت دیگر معنای این کلمه در کاربرد دینی خاص‌تر از اطلاق عرفی آن است.

مطابق با روایات ماثور از پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام، خداوند متعال فضایل بسیاری را در زیارت پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت گرامی‌شان، چه در زمان حیات و چه بعد از وفات آنان، قرار داده و نیز در روایات به زیارت برادر مؤمن و مسلمان و نیز اماکن مقدسی مانند مساجد سفارش شده است؛ برای نمونه ابی‌نجران از امام محمد باقر علیهما السلام در فضیلت زیارت نبی مکرم اسلام ﷺ چنین نقل می‌کند:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّدًا فَقَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ.
(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۸).

به امام باقر علیهما السلام عرضه داشتم: «فدایت شوم برای کسی که رسول خدا ﷺ را زیارت کند چه بهره‌ای هست؟» حضرت فرمودند: «بهشت نصیب اوست».

۱. در مصادر روایی، واژه زیارت در مورد زیارت پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام و اولیای الهی، زیارت خانه خدا، دیدار مؤمنین، صالحین و مانند آن به کار رفته است.

همچنین پیامبر گرامی اسلام ﷺ در پاسخ به پرسش امام حسین ﷺ درباره فضیلت زیارت پیامبر ﷺ و اهل بیت گرامی شان فرمودند:

يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُرْوَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ (همانجا).

فرزندم هر کس مرا در زمان حیات یا بعد از وفات زیارت کند یا پدرت یا برادرت یا خودت را زیارت کند بر من است که روز قیامت به دیدارش روم و او را از گناهانش برهانم.

در روایت دیگری حضرت امام صادق ﷺ، در تعبیر بلندی، زیارت پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم ﷺ را هم ردیف زیارت خداوند فوق عرش برشمرده و فرموده است:

قُلْتُ لِأبي عبد الله ﷺ مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ قَالَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ (همانجا).

[هر کس رسول خدا را زیارت کند] مانند کسی است که خداوند را فوق عرش زیارت نموده است... [هر کس هر یک از ائمه ﷺ را زیارت کند] مانند کسی است که به زیارت رسول خدا ﷺ رفته است.

همچنین وجود نورانی امام صادق ﷺ در مورد فضیلت دیدار برادر مؤمن به خاطر خدا فرموده‌اند:

عَبِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ النَّهْدِيِّ عَنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنِّي زُرْتُ وَتَوَابَكَ عَلَيَّ وَكَسْتُ أَرْضِي لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۶).

هر کس به خاطر خدا به دیدار برادر مؤمنش برود، خداوند متعال به او چنین خطاب می‌کند: «به خاطر من او را زیارت کردی و پاداش آن بر عهده من است و من برای پاداش تو به کمتر از بهشت راضی نمی‌شوم».

گفتنی است در برخی روایات، از رفتن به مسجد به عنوان زیارت خداوند تعبیر شده است.^۱

بررسی و نقد روایات مبین فضیلت زیارت

بی تردید از روایاتی که نقل شد و مانند اینها می توان به استحباب زیارت پیامبر اسلام ﷺ، امامان معصوم ﷺ، اولیای الهی، برادران دینی و سایر مواردی که با سند صحیح در مورد آنها نقل روایت شده است، رسید. روشن است زیارت به هر کیفیتی (پیاده یا سواره) انجام گیرد، موجب بهره‌مندی زائر از فضیلت و ثواب زیارت می‌شود. اما ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا انجام دادن زیارت به صورت پیاده، فضیلت و ثواب بیشتری دارد و آیا در روایات، به پیاده‌روی برای زیارت پیامبر اسلام ﷺ و حضرات معصومین ﷺ سفارش خاصی شده است؟

در پاسخ به سؤالات مزبور باید بگوییم بر اساس روایات رسیده در باب زیارت خانه خدا، پیاده‌روی برای انجام دادن مناسک حج، فضیلت فراوانی دارد^۲ و سیره پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم ﷺ بر پیاده رفتن به حج، استوار بوده است، تا آنجا که مطابق با برخی از نقل‌ها، امام مجتبیٰ ﷺ با وجود همراه داشتن مرکب، حدود بیست بار پیاده به حج رفته‌اند.^۳ اما در عین

۱. صَفْوَانٌ عَنْ كَلْبِيبِ الصَّيْدَاوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنْ يَبُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدِ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي وَ حَقُّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يُكْرِمَ الزَّائِرَ (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸).

۲. أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ سَوَادَةَ عَنْ أَبِي الْمُتَكَدِّرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَا تَدَمُّتُ عَلَى شَيْءٍ صَنَعْتُ نَدْمِي عَلَى أَنْ لَمْ أَحْجَّ مَاشِيًا لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَنْ حَجَّ بَيْتَ اللَّهِ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَةَ آلَافِ حَسَنَةٍ مِنْ حَسَنَاتِ الْحَرَمِ - قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا حَسَنَاتِ الْحَرَمِ - قَالَ حَسَنَةُ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ قَالَ فَضْلُ الْمَشَاءِ فِي الْحَجِّ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ وَ كَانَ الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ يَمْشِي إِلَى الْحَجِّ وَ ذَابْتَهُ تَفَادًا وَرَاءَهُ (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۸۲).

۳. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ فَضْلِ الْمَشْيِ فَقَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ قَامَ رَبُّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى نَعَلًا وَ نَعْلًا وَ ثُوبًا وَ ثُوبًا وَ دِينَارًا وَ دِينَارًا وَ حَجَّ عَشْرِينَ حَجَّةً مَاشِيًا عَلَى قَدَمَيْهِ (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۷۹).

حال در این روایات به این نکته مهم نیز اشاره شده که فضیلت پیاده رفتن به حج، مشروط به این است که باعث ضعف و کاهش توان برای انجام دادن عبادت و دعا نشود؛ و الا سواره حج گزاردن فضیلت بیشتری دارد.^۱ همچنین چنانچه قصد شخص از رفتن به حج به صورت سواره این باشد که مدت بیشتری را در مکه مقیم باشد، بر اساس این روایات، سواره به حج رفتن از پیاده رفتن، ارزشمندتر است.^۲

در روایات فراوانی که برای تشویق به زیارت امیر مؤمنان و اباعبدالله علیه السلام رسیده نیز روایاتی وجود دارد که مضمون آنها اعطای ثواب فراوان بر هر گام در زیارت این دو امام همام است.^۳ با توجه به این روایات، برخی درصدد برآمده‌اند استحباب پیاده‌روی برای زیارت این دو امام همام را اثبات کنند و این حکم را با کمک دیگر ادله، به زیارت سایر معصومین علیهم السلام، امامزادگان، مؤمنین و قبور آنها و نیز زیارت اماکن مقدس، تعمیم و تسری

۱. و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ التَّمَارِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّهُ بَلَّغَنَا وَكُنَّا تِلْكَ السَّنَةَ مُشَاةً عَنْكَ أَنْكَ تَقُولُ فِي الرُّكُوبِ فَقَالَ: إِنَّ النَّاسَ يَحْجُونَ مُشَاةً وَ يَرْكَبُونَ. فَقُلْتُ: لَيْسَ عَنْ هَذَا أَسْأَلُكَ. فَقَالَ: عَنْ أَيِّ شَيْءٍ تَسْأَلُنِي؟ فَقُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ تَمْشِي أَوْ تَرْكَبُ؟ فَقَالَ: تَرْكَبُونَ أَحَبُّ إِلَيَّ فَإِنْ ذَلِكَ أَقْوَى عَلَى الدُّعَاءِ وَ الْعِبَادَةِ (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۸۳).

۲. وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ أَيْمًا أَفْضَلُ تَرْكَبُ إِلَى مَكَّةَ فَتَعَجَّلُ فَتَقِيمُ بِهَا إِلَى أَنْ يَتَقَدَّمَ الْمَأْشِي أَوْ تَمْشِي فَقَالَ: الرُّكُوبُ أَفْضَلُ (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۸۲).

۳. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ قَالَ وَجَدْتُ فِي كِتَابِ كَتَبَهُ بِنِعْدَادِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الرَّازِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الصَّيْمَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً فَإِنْ رَجَعَ مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۸۰).

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ وَ جَمَاعَةٌ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ جَابِرِ الْمُكْفُوفِ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ أَمَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَعَهَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفِرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ عَلِقْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِيًا وَ امْشِ مَشَى الْعَبْدِ الدَّلِيلِ فَإِذَا أَتَيْتَ بَابَ الْحَاوِرِ فَكَبِّرْ أَرْبَعًا ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا ثُمَّ كَبِّرْ أَرْبَعًا ثُمَّ انْتِ رَأْسَهُ فَفَفِّفْ عَلَيْهِ فَكَبِّرْ أَرْبَعًا [فَكَبِّرْ وَ صَلِّ عِنْدَهُ وَ اسْأَلْ] وَ صَلِّ أَرْبَعًا وَ اسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۳۳).

دهند (ر.ک: درگاهی، ۱۳۹۵، ص ۹۵). اما به نظر می‌رسد این کار، ممکن و میسر نیست؛ زیرا از روایات چنین برداشت می‌شود که مقصود اصلی شریعت، اهتمام و توجه شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام به زیارت ائمه معصومین علیهم‌السلام و به ویژه وجود نورانی امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام است و کیفیت زیارت (پیاده یا سواره بودن) چندان مد نظر نیست، و به کار رفتن تعبیری چون وعده ثواب بر هر گام، یا کوتاه کردن قدم‌ها در راه زیارت، از باب رعایت ادب و توجه دادن به مقام شامخ و بلند امامان معصوم علیهم‌السلام و تحریض و تشویق دوستدارانشان به زیارت آنان است و از این تعبیر، نمی‌توان موضوعیت داشتن پیاده رفتن را استنباط کرد. از این رو جناب شیخ مفید رحمته‌الله در این باره روایتی را از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است که حضرت ضمن سفارش فراوان به زیارت اباعبدالله علیه‌السلام، ثواب زیارت را به صورت سواره یا پیاده یکسان دانسته‌اند.^۱

علاوه بر اینکه اسناد روایات دال بر فضیلت زیارت به صورت پیاده در مورد امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام دارای ملاحظات فراوانی است، تا آنجا که جناب شیخ مفید رحمته‌الله در کتاب المزار، در بیان روایات دال بر فضیلت و ثواب زیارت اباعبدالله علیه‌السلام، بر خلاف رویه صاحب کامل الزیارات به ذکر روایاتی اکتفا کرده که سند قابل قبولی دارد (مفید، ۱۴۳۴ق، ص ۳۰) و پذیرش روایات نقل شده در کتاب کامل الزیارات مبتنی بر قبول شهادت صاحب کتاب بر وثاقت روایتی است که از آنها نقل روایت کرده است. البته ممکن است افضیلت و برتری زیارت به شکل پیاده را بتوان با کمک نصوص عام اثبات نمود.

۱. حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عُثَيْبٍ اللَّهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ النَّهَائِنْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرٍ بْنِ أَبِي فَاحِخَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام: يَا حُسَيْنُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنَزَلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه‌السلام إِنْ كَانَ مَا شِئًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ حَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ وَ إِنْ كَانَ رَاكِبًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ حَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَاوِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ الْمُنْجِحِينَ فَإِذَا قَضَى مَنَاسِكَه كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُقْرَنُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا مَضَى (مفید، ۱۴۳۴ق، ص ۳۰).

بنابراین بر اساس آنچه بیان شد، چیزی که اهمیت دارد، توجه و اهتمام دوستداران اهل بیت علیهم السلام به زیارت ائمه علیهم السلام و به ویژه وجود نورانی امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام است و چگونگی تشریف به زیارت چندان مورد توجه نیست.

ممکن است گفته شود با تمسک به نصوص عام و استفاده از اطلاق و عموم و مفهوم اولویت در ادله خاص، می توان اولویت پیاده روی برای زیارت معصومین علیهم السلام را نتیجه گرفت و حتی به سایر مصادیق زیارت نیز تسری داد. از این رو لازم است به بررسی امکان استفاده از اطلاق یا عموم ادله خاص یا مفهوم اولویت در این ادله، و نیز امکان استفاده از دلالت نصوص عام و تسری عمومیت آنها به تمام مصادیق زیارت پردازیم.

استفاده از اطلاق، عموم و مفهوم اولویت در ادله خاص

بر اساس برخی روایات، از جمله روایتی که جناب شیخ صدوق رحمته الله علیه از امام رضا علیه السلام نقل کرده است، خداوند متعال پاداش های موعود برای زیارت اباعبدالله علیه السلام را برای زائران دیگر امامان نیز قرار داده است: «قلت للرضا علیه السلام: ما لمن أتى قبر أحد من الأئمة، قال: له مثل ما لمن أتى قبر أبي عبد الله علیه السلام. قلت: ما لمن أتى قبر الحسن علیه السلام؟ قال: مثل ما لمن أتى قبر أبي عبد الله علیه السلام» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۹۸).

در این روایت، امام رضا علیه السلام ثواب مزبور را برای زائران، چه سواره و چه پیاده، تضمین کرده اند و با توجه به اطلاق تنزیل در کلام امام علیه السلام در جمله «له مثل ما لمن أتى...»، اثبات استحباب و فضیلت پیاده روی برای زیارت هر یک از امامان معصوم علیهم السلام با این روایت، ممکن است (ر.ک: درگاهی، ۱۳۹۵، ص ۹۸).

اما در نقد این استدلال باید گفت مفاد روایت منقول از امام رضا علیه السلام تنها اثبات ثواب زیارت اباعبدالله علیه السلام برای سایر امامان معصوم علیهم السلام، با قطع نظر از چگونگی انجام دادن آن است. روایت، درصدد است دوستداران اهل بیت علیهم السلام را به زیارت آن بزرگواران ترغیب کند

و به طور قطع می‌توان گفت حضرت در این روایت در مقام بیان فضیلت پیاده‌روی برای زیارت نیستند تا بتوان از اطلاق کلام امام علیه السلام در اثبات استحباب پیاده‌روی برای زیارت سایر معصومین علیهم السلام بهره برد.

ضعیف‌تر از این استدلال، استدلال به روایاتی همچون «من لم يقدر علي زيارتنا فليزر صالحي موالينا يكتب له ثواب زيارتنا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۹-۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱۱) برای تسری فضیلت پیاده‌روی به زیارت امامزادگان و صالحان و علماست؛ زیرا این روایت نیز در مقام بیان فضیلت پیاده‌روی نیست، و در مقام بیان نبودن در این روایت، روشن‌تر از روایت پیشین است. افزون بر اینکه این روایت، سند ضعیفی دارد.

و در نهایت، ضعیف‌ترین استدلال، استناد به روایت «من مشي زائراً لأخيه فله بكل خطوه حتي يرجع الي اهله عتق مأه الف رقبه و يرفع له مأه الف درجه و يمحي عنه مأه الف سيئه» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۳)، منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تسری فضیلت پیاده‌روی برای زیارت مؤمنان، به قبور آنان و قبور اولیای الهی به طریق اولویت است؛ زیرا:

اولاً: این روایت از سند قابل قبولی برخوردار نیست؛

ثانیاً: بر فرض پذیرش سند، در اختصاص این ثواب، زیارت قبور مؤمنین چه اولویتی بر زیارت خودشان دارد؟

ثالثاً: اثبات استحباب پیاده‌روی برای زیارت مؤمن با این روایت متعسر و بلکه ناممکن است؛ زیرا ظاهراً روایت در صدد بیان فضیلت دیدار مؤمنین با یکدیگر و ترغیب آنان به عملی است که باعث ایجاد صفا و صمیمیت و یکدلی در بین آنان می‌شود و تعبیر «مشی» در این روایت و امثال آن، مانند «من مشی الی المسجد» یا «من مشی الی مسجد من مساجد الله» که به وفور در کلام رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به چشم می‌خورد، برای تحریض و ترغیب مسلمانان به انجام دادن این اعمال صالح است و موضوعیت ندارد. آیا می‌توان پذیرفت دیدار برادر مؤمن

یا رفتن به مسجد به صورت سواره، بهره‌مندی از پاداش وعده داده شده در روایت را در پی نخواهد داشت؟ آیا می‌توان چنین حکم داد که کوتاه کردن گام‌ها و در نتیجه افزایش آنها، باعث افزایش ثواب است و آیا این نحو ترجمه گفتار رسول گرامی اسلام ﷺ موجب وهن ایشان و کلامشان نیست؟

چنین به نظر می‌رسد که قول صحیح در ارتباط با این گونه کلمات صادر شده از رسول خدا ﷺ و امامان معصومین است که این سخنان، ظهور دارد در اینکه برخی اعمال، از نظر ارزش و فضیلت، به گونه‌ای هستند که بر انجام دادن هر لحظه آن اعمال، ثواب مترتب است و هدف از این شوه بیان ثواب، توجه و تنبه دادن مؤمنین به ارزش فوق‌العاده عملی است که برای آن، چنین ثوابی نقل شده است تا قدر این اعمال را بشناسند و فرصت‌های خیر را از دست ندهند.

نصوص عام و گستره دلالت نصوص

گفته شده که می‌توان از عمومات و اطلاقات برای اثبات افضلیت پیاده‌روی برای همه مصادیق زیارت، بهره برد. عموماتی که مورد استناد قرار گرفته‌اند، به قرار ذیل است:

۱. جناب شیخ حر عاملی برخی روایات عام را در باب «استحباب اختیار المشی فی الحج علی الركوب» نقل کرده است که گفته شده می‌توان از این روایات در اثبات استحباب پیاده‌روی برای هر عبادتی، از جمله زیارت قبور اولیای دین و اماکن مقدس، استفاده کرد. از جمله این عمومات، روایت امام صادق علیه السلام است که فرموده‌اند: «ما عبدالله بشيء أشد من المشی و لا افضل» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱).

در پاسخ به این استدلال باید گفت:

اولاً: بر اساس تفاسیری که از سایر روایات صحیح به دست می‌آید، منظور از «مشی»، پیاده‌روی به سوی مسجد برای نماز و به قصد انجام دادن حج و زیارت خانه خداست (ر.ک:

حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۹؛ صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۶۳۰) و بنابراین نمی توان آن را به هر عمل عبادی تسری داد. در مورد حج نیز گفته شد که استحباب پیاده روی به عدم ضعف از عبادت و دعا و عدم قصد اقامت در مکه مشروط است؛ و الا به جا آوردن حج به صورت سواره، فضیلت بیشتری دارد؛

ثانیاً: با قطع نظر از روایات مفسر و تمسک به اطلاق روایت، باید در نظر داشت در زمان صدور روایت، فضیلت پیاده روی در باب حج شایع، و مورد سؤال شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده است و همین قرینه، مانع از تمسک به اطلاق روایات می گردد.

۲. در منابع روایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدیثی نقل شده که بسیاری از علما بدان عمل کرده و حتی آن را نزد فریقین مشهور و مورد عمل دانسته اند. در این حدیث، حضرت در پاسخ به این سؤال که «أی الأعمال أفضل؟» فرموده اند: «أحمرها». گفته شده است با توجه به اینکه زیارت پیاده، سخت تر از زیارتی است که به صورت سواره محقق شود، می توان با استناد به روایت مزبور، افضلیت پیاده روی برای زیارت قبور مطهر و اماکن مقدس را اثبات کرد.

در این باره باید گفت اثبات افضلیت پیاده روی در زیارت معصومین علیهم السلام با استناد به این روایت در صورتی ممکن است که اصل استحباب پیاده روی در زیارت آنان را بپذیریم؛ والا چنانچه قائل شویم اصل زیارت، با قطع نظر از چگونگی انجام دادن آن، مد نظر اهل بیت علیهم السلام و مورد سفارش آنان بوده است، نمی توان به استحباب پیاده روی و افضلیت آن حکم کرد.

بله، مستفاد از روایت این است که هر اندازه زائر در مسیر زیارت و برای رسیدن به هدف زیارت متحمل مشقت بیشتری شود، از ثواب بیشتری برخوردار است. اما این بدان معنا نیست که چنانچه خود را نیز با پیاده روی برای زیارت به مشقت اندازد، زیارت او ثواب بیشتری خواهد داشت؛ به دیگر سخن، زیارت معصومین، چه به صورت سواره و چه به صورت پیاده، مستحب و ارزشمند است. ولی اگر برای کسی طی مسافت به صورت سواره ممکن نباشد و

ناچار شود قسمتی یا تمام مسیر را به صورت پیاده طی کند، قطعاً ثواب بیشتری خواهد داشت. اما این سخن به معنای استحباب و افضلیت پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم‌السلام نیست؛ چه رسد که بخواهیم این افضلیت را به زیارت امامزادگان و سایر مصادیق زیارت نیز تسری دهیم.

۳. گفته شده عام قرآنی ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲)، که تعظیم شعائر الهی را نشانه تقوای قلوب و تسلط پرهیزگاری بر دل‌ها می‌داند، بر مطلوبیت تعظیم و بزرگداشت هر علامت و نشانه دین خداوند دلالت دارد و مسلماً اولیای الهی از بزرگترین و بارزترین نشانه‌های دین الهی‌اند که وسیله ابلاغ دین و مایه گسترش آن در میان مردم بوده‌اند و یکی از طرق بزرگداشت، تکریم و تعظیم آنان، زیارت قبور مطهر ایشان با پای پیاده، همراه با حفظ حرمت و تکریم و صیانت از محرّمات است؛ یعنی پیاده‌روی به سمت حرم اولیای الهی و اماکن مقدس، آن هم به صورت گروهی و انبوه، یکی از مصادیق بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی است و از این‌رو دارای رجحان و فضیلت است (ر.ک: درگاهی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴).

استدلال مزبور از بهترین استدلال‌های مورد استناد در اثبات استحباب و فضیلت پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم‌السلام محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد پیاده‌روی برای زیارت امامزادگان یا اماکن مقدس، خصوصاً اگر انفرادی انجام گیرد، عرفاً مصداق تعظیم شعائر الهی به شمار نمی‌آید؛ افزون بر اینکه دلیل خاصی از شرع یا عرف، تعمیم مصداق شعائر الهی به امامزادگان و اماکن مقدس را پشتیبانی نمی‌کند.

همچنین به نظر می‌رسد تعظیم شعائر الهی در همه مصادیق آن، حتی نسبت به معصومین علیهم‌السلام، یکسان نیست و امروزه پیاده‌روی برای زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیهم‌السلام به عنوان مصداق تعظیم شعائر الهی، به دلیل ویژگی‌های خاص این دو امام بزرگوار، از پیاده‌روی برای زیارت سایر معصومین علیهم‌السلام ممتاز شده است؛ چه اینکه در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز تحریض و سفارش بیشتری به زیارت این دو امام صورت گرفته است و شاید رمز این تأکیدات فراوان،

شاخص بودن این دو امام نسبت به سایر معصومین علیهم السلام از جهت مبارزه با حکام جور و تثبیت امامت و شهادت در راه خدا به نحوی متفاوت و جانگداز و لزوم توجه و تنبه دائمی دوستان اهل بیت علیهم السلام به اهداف مقدس قیام و شهادت آن دو امام بزرگوار باشد. البته این سخن بدین معنا نیست که زیارت به صورت پیاده در مورد سایر معصومین علیهم السلام ارزش و ثواب کمتری نسبت به این دو امام همام علیهم السلام دارد. بلکه سخن در این است که در زمان حاضر، پیاده‌روی برای زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیهم السلام مصداق بارزتری از تعظیم شعائر است و نمود بیشتری در مبارزه با عقاید انحرافی و هابیت و دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام دارد و می‌تواند نماد پررنگ‌تری برای تعظیم اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان محسوب شود. از این رو بدیهی است که ارزش ویژه‌ای به عنوان تعظیم شعائر یافته است.

۴. گفته شده پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم السلام، مصداق مودت به ذوی القربی است و در قرآن کریم، مودت و مهرورزی به آنان، مزد رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دانسته شده است (شوری: ۲۳).

همان گونه که از استدلال مزبور پیداست، این دلیل در صدد اثبات افضلیت پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم السلام است و نظری به سایر مصادیق زیارت ندارد. اما با وجود این در صورتی می‌توان پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم السلام را مصداق ابراز مودت و دوستی دانست که به صورت جمعی انجام گیرد تا بتواند نماد عشق و علاقه و پیوند قلبی محبان اهل بیت علیهم السلام با ایشان باشد، و الا براساس روایات، صرف زیارت، خواه سواره و خواه پیاده، تجدید عهد با امام، و عمل به آیه **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾** (حج: ۲۳) محسوب می‌شود.^۱

۱. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَانِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَنْتَهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (كلینی، ۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۶۷).

همچنین همان‌طور که در مورد تعظیم شعائر بیان شد، با توجه به اینکه در روایات، به زیارت امیر مؤمنان و اباعبدالله علیه السلام سفارش فراوان شده است، به همین منوال، اظهار مودت به ساحت این دو امام بزرگوار با زیارت به صورت پیاده، از اظهار مودت به سایر معصومین علیهم السلام ممتاز است.

نتیجه

۱. در بین روایات فراوان دال بر فضیلت زیارت امیر مؤمنان و اباعبدالله علیه السلام، روایاتی یافت می‌شود که در آنها برای بیان ثواب زیارت از تعبیری چون اعطای ثواب بر هر گام، استفاده شده است. از این رو برخی در صدد برآمده‌اند تا استحباب پیاده‌روی برای زیارت این دو امام همام را از این روایات استفاده کنند و با کمک دیگر ادله، این استحباب را به زیارت سایر معصومین علیهم السلام، اولیای الهی، امامزادگان، مؤمنین و حتی قبور آنها و اماکن مقدس، تسری دهند. اما به نظر می‌رسد اثبات این حکم در مورد زیارت امیر مؤمنان و اباعبدالله علیه السلام و تسری آن به دیگر مصادیق زیارت، ممکن و میسر نیست؛ زیرا از روایات چنین برداشت می‌شود آنچه اصالتاً در شریعت، مقصود است، اهتمام و توجه شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام به زیارت ائمه معصومین علیهم السلام و به ویژه وجود نورانی امیر مؤمنان، علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام است و کیفیت زیارت چندان مد نظر نیست، و به کار رفتن تعبیری چون وعده ثواب بر هر گام یا کوتاه کردن قدم‌ها در راه زیارت، از باب رعایت ادب و توجه دادن به مقام شامخ و بلند امامان معصوم علیهم السلام، و تحریض و تشویق دوستانشان به زیارت آنان است و از این تعبیر نمی‌توان موضوعیت داشتن پیاده رفتن را استنباط کرد. جناب شیخ مفید نیز روایتی را از امام صادق علیه السلام در این باره نقل کرده است که حضرت ضمن سفارش فراوان به زیارت اباعبدالله علیه السلام، ثواب زیارت را به صورت سواره و پیاده، یکسان دانسته‌اند.

۲. گفته شده با تمسک به نصوص عام و استفاده از اطلاق و عموم و مفهوم اولویت در ادله

خاص، می‌توان افضلیت پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم‌السلام را نتیجه گرفت و حتی به سایر مصادیق زیارت نیز تسری داد.

اما به نظر می‌رسد استفاده از اطلاق و عموم و مفهوم اولویت در ادله خاص امکان‌پذیر نباشد؛ چراکه شرایط تمسک به اطلاق روایات، به دلیل در مقام بیان نبودن امام علیه‌السلام نسبت به فضیلت پیاده‌روی برای زیارت، و وجود برخی قرائن حالی و مقالی، محقق نیست و به دلیل مخدوش بودن سند روایتی که از مفهوم آن، استحباب پیاده‌روی برای زیارت قبور مؤمنین اولویت‌گیری شده و نیز نبود هیچ‌گونه اولویتی در زیارت قبور مؤمنین نسبت به زیارت خود مؤمنین، امکان استفاده از دلیل اولویت در تسری حکم استحباب پیاده‌روی زیارت به سایر مصادیق، وجود ندارد.

۳. اثبات استحباب پیاده‌روی با استناد به نصوص عام قرآنی دال بر تعظیم شعائر و لزوم ابراز مودت به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ممکن است، اما تعظیم شعائر الهی در همه مصادیق آن، حتی نسبت به معصومین علیهم‌السلام، یکسان نیست و امروزه پیاده‌روی برای زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیه‌السلام، به عنوان مصداق تعظیم شعائر الهی، به دلیل ویژگی‌های این دو امام بزرگوار، از پیاده‌روی برای زیارت سایر معصومین علیهم‌السلام ممتاز شده است. همچنین با توجه به اینکه در روایات، به زیارت امیر مؤمنان و اباعبدالله علیه‌السلام سفارش فراوان شده است، به همین منوال، اظهار مودت به ساحت این دو امام بزرگوار با زیارت به صورت پیاده، از اظهار مودت به سایر معصومین علیهم‌السلام ممتاز است.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات، تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه.

۲. حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۰۴ق). **تحف العقول**، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳. درگاهی، مهدی (۱۳۹۵). «**حکم فقهی پیاده روی برای زیارت قبور اولیای الهی و اماکن مقدس**»، پژوهشنامه حج و زیارت، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶ق). **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
۵. ----- (۱۳۶۲ش). **خصال**، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). **مجمع البحرين**، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**، تحقیق و تصحیح حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۸. عاملی (شیخ حر)، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**، تحقیق و تصحیح مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۹. ----- (۱۴۱۴ق). **هدایة الامة الی احکام الائمه علیهم السلام**، تحقیق و تصحیح آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، گروه حدیث، مشهد، آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۷ق). **مرآة العقول**، تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۳۳ق). **المزار**، تحقیق و تصحیح احمد علی مجید الحلّی، قم، مکتبه علامه مجلسی.
۱۴. مشهدی، ابو عبدالله محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). **المزار الكبير**، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، نشر قیوم.